

نسبت‌های مالی

عملکرد در بانک‌ها

اکبر رضانژاد
دانشجوی کارشناسی ارشد
رشته حسابداری و
کارمند بانک صادرات ایران

اشاره

در بخش اول، مبانی نظری و پیشینه این تحقیق را بیان کردیم و به تشریح صورت‌های مالی اساسی بانک‌ها، همچون ترازنامه و صورت سود و زیان پرداختیم. در مورد نسبت‌های مالی هم یادآور شدیم که این نسبت‌ها، تکنیک‌هایی هستند که از آنها می‌توان برای ارزیابی کیفیت سهام و خدمات، میزان سودآوری، بازده سرمایه‌گذاری و دارایی‌ها و کارایی یک بانک استفاده کرد و از آن طریق، به مقایسه بانک‌ها با یکدیگر پرداخت. اینک توجه شما را به ادامه این بحث مشتمل بر نسبت‌های سودآوری و نتیجه‌گیری جلب می‌کنیم و یادآور می‌شویم که در شرایط حاضر که بانک‌ها به سوی خصوصی سازی حرکت می‌کنند، تجزیه و تحلیل وضعیت مالی بانک‌ها هم برای سهامداران و هم برای سپرده‌گذاران مهمتر شده و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

بانک و اقتصاد

نسبت‌های سودآوری

یکی از شاخص‌های مهم سلامت مالی شرکت و کارایی مدیریت آن، توانایی شرکت در کسب سود قابل قبول و یا برگشتی راضی‌کننده روی سرمایه‌گذاری آن است. بدیهی است که سرمایه‌گذاران تمایلی به مشارکت در شرکتی با سودآوری و درآمد سازی ضعیف دارند، چرا که سودآوری اندک، در قیمت سهام و توانایی بالقوه شرکت در پرداخت سود سهام تأثیر منفی دارد. اعتباردهندگان نیز راضی به پرداخت وام به شرکتی با سودآوری ضعیف، نخواهند بود، چون احتمال این را می‌دهند که طلب آنها هرگز بازپرداخت نگردد. البته باید یادآوری شود که قدر مطلق سود اهمیت چندانی ندارد، مگر اینکه این سود در قیاس با منبع ایجاد آن (میزان سرمایه‌گذاری) مورد ارزیابی قرار گیرد. تأثیر نوسان نرخ سود بر عملکرد بانک غیرقابل انکار است. بررسی نسبت تسهیلات به سپرده‌های سرمایه‌گذاری که بیانگر دارایی‌ها و بدهی‌های حساس به نرخ سود است، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. همچنین هر قدر سهم سپرده‌های کوتاه‌مدت در کل سپرده‌های سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، بانک در مقابل تغییر نرخ سود از انعطاف مناسب‌تری برخوردار خواهد بود.

برخی از مهمترین شاخص‌های ارزیابی نتیجه عملکرد بانک در زمینه سودآوری به شرح زیر می‌باشند: (۱) سود هر سهم، (۲) سود تقسیمی هر سهم، (۳) درصد سود تقسیمی (نسبت سود پرداختی).

سود هر سهم (EPS): سهامداران باید از بابت ارزش زمانی وجوهی که در اختیار بانک گذاشته‌اند و همچنین از بابت قبول ریسک

بالقوه زیان، از طریق سود سهام پوشش داده شوند. سود سهام در اصل مانعی برای افزایش ارزش سرمایه حداقل به اندازه نرخ تورم نگران‌کننده است. در برخی موارد سود سهام پرداختی با رشدی بیش از نرخ بهره پس‌اندازهای بلندمدت، با نادیده گرفتن افزایش ارزش سرمایه و تأثیر آن بر درآمدهای آتی انجام می‌گیرد.

تأثیر نوسان نرخ
سود بر عملکرد بانک
غیر قابل انکار است.



$$\text{سود پس از کسر مالیات} = \frac{\text{سود پس از کسر مالیات}}{\text{درآمدهای مشاع و غیر مشاع}} \times \text{حاشیه سود}$$

درآمدهای مشاع درآمدهایی هستند که از محل سرمایه‌گذاری مشترک بین سپرده‌گذاران و نیز حق الوکاله سهم بانک و هم‌چنین از محل درآمدهای مشترک حاصل بین بانک و وام‌گیرندگان از محل تسهیلات اعطایی بدست می‌آیند. درآمدهای غیرمشاع هم درآمدهایی هستند که از محل ارایه انواع خدمات و کارمزدهایی که اخذ می‌شود، به دست می‌آیند.

نرخ بازده سرمایه‌گذاری^(۳): نرخ بازده سرمایه‌گذاری میزان سود به ازای هر ریال از وجوه سرمایه‌گذاری شده در بانک را محاسبه می‌کند، به این ترتیب که "سود پس از کسر مالیات" را بر "متوسط سرمایه" تقسیم می‌کنند.

$$100 \times \frac{\text{سود پس از کسر مالیات}}{\text{متوسط سرمایه}} = \text{نرخ بازده سرمایه‌گذاری}$$

نرخ بازده، رابطه بین حجم سرمایه‌گذاری و سود را تعیین می‌کند. اگر بانک بر حجم سرمایه‌گذاری‌های خود بیفزاید (دارایی‌اش افزایش یابد)، ولی نتواند متناسباً مقدار سود پس از کسر مالیات خود را افزایش دهد، نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌اش کاهش می‌یابد. بنابراین، افزایش حجم سرمایه‌گذاری به خودی خود باعث بهبود ثروت سهامداران نمی‌شود. این نسبت، نرخ بازده سرمایه‌گذاری و توانایی بالقوه را برای تشکیل سرمایه داخلی ارزیابی می‌نماید. در شرایط تورمی، برای اینکه یک بانک پایه سرمایه‌اش را در شرایط واقعی حفظ نماید، حتی با فرض عدم وجود سود، این نسبت باید معادل تورم باشد. ممکن است بازده بالای سرمایه با کفایت سرمایه نسبت عکس داشته باشد.

همچنین تحلیل‌گران باید آگاه باشند که ممکن است بانکی که با سرمایه ناکافی تشکیل شده و سوددهی ناچیز دارد، بازدهی‌اش بیش از بازده سرمایه بانکی باشد که با

با محاسبه نسبت سود، هر سودی که بانک در یک دوره مشخص به ازای یک سهم عادی به دست آورده است، معین می‌شود که از متداول‌ترین نسبت‌های مالی است که محاسبه و تجزیه و تحلیل می‌شود. برای محاسبه این نسبت، مقدار "سود پس از کسر مالیات" را بر تعداد سهام عادی که در دست سهامداران است، تقسیم می‌کنند و چنانچه سهام ممتاز وجود داشته باشد، آن را از رقم "سود پس از کسر مالیات" کسر و سپس سود قابل تخصیص به سهام عادی را محاسبه می‌کنند.

$$\text{سود سهام ممتاز - سود پس از کسر مالیات} = \frac{\text{سود هر سهام عادی}}{\text{تعداد سهام عادی منتشره}}$$

سود تقسیمی هر سهم (DPS): این نسبت نشان دهنده مبلغ سودی است که بانک بابت هر سهم پرداخت می‌کند. برای محاسبه این نسبت، رقم متعلق به سود تقسیمی سهام را بر تعداد سهام عادی که در دست سهامداران است، تقسیم می‌کنند.

$$\text{سود نقدی پرداختی به صاحبان سهام عادی} = \frac{\text{سود تقسیمی هر سهم}}{\text{تعداد سهام عادی منتشره}}$$

درصد سود تقسیمی (نسبت سود پرداختی)^(۴) با استفاده از این نسبت، سود نقدی پرداختی به سهامداران را به صورت درصدی از "سود هر سهم" بیان می‌کنند. برای محاسبه این نسبت، "سود تقسیمی هر سهم" را بر "سود هر سهم" تقسیم می‌کنند.

$$\text{سود تقسیمی هر سهم} = \frac{\text{سود تقسیمی هر سهم}}{\text{سود هر سهم}} \times 100 = \text{درصد سود تقسیمی}$$

حاشیه سود^(۵): این نسبت را حاشیه سود خالص نیز می‌نامند و در بانک‌ها سودآوری هر ریال از درآمد را محاسبه می‌کنند، به این ترتیب که مقدار "سود پس از کسر مالیات" بر درآمدهای مشاع و غیرمشاع تقسیم می‌شود.

هر قدر سهم
سپرده‌های
کوتاه‌مدت در
کل سپرده‌های
سرمایه‌گذاری بیشتر
باشد، بانک در مقابل
تغییر نرخ سود از
انعطاف مناسبتری
برخوردار خواهد
بود.



سرمایه‌گذاری‌ها و سپرده‌های بهره‌دار) متکی است، دید وسیع‌تری را نسبت به اختلاف بین بانک‌ها ارائه می‌دهد. این نسبت نشان‌دهنده یک ریال سود برای هر صد ریال از دارایی‌هاست. این نسبت تا حدودی کارایی دارایی‌ها را مشخص می‌نماید، ولی نکته اساسی این است که در طبقه‌بندی دارایی‌ها که عمده‌ترین آنها وام‌ها می‌باشد، درجه ریسک دارایی‌ها در نظر گرفته نمی‌شود، به نحوی که اگر بانکی با دارایی متوسط، دارایی بیشتری نسبت به بانک دیگر داشته باشد، ولی میزان طبقات وام‌های معوقه‌اش بیشتر باشد، در این نسبت بازده دارایی بیشتری خواهد داشت، لذا میزان بیشتر این نسبت نمی‌تواند لزوماً کارایی و ریسک دارایی‌ها را نشان بدهد و استفاده صرف از این نسبت برای نتیجه‌گیری کلی درباره دارایی‌ها، گمراه کننده خواهد بود. بنابراین، این امر زمانی مفید خواهد بود که میزان ریسک دارایی‌های سودآور را نیز در نظر بگیریم.

نسبت خالص مابه‌التفاوت بهره پرداختی و بهره دریافتی:

این نسبت، فقط آن دارایی‌ها و بدهی‌هایی را شامل می‌شود که نرخ بهره به آنها تعلق می‌گیرد. از این رو، تأثیر سپرده‌های دیداری بدون بهره، سرمایه و نیز ذخیره‌های قانونی فاقد بهره‌وری خالص بهره دریافت شده و نتیجتاً سود بانک را نشان نمی‌دهد. آنچه در این نسبت مفید است، این است که اثر نرخ‌های بهره بر سود را جدا نموده و بدین وسیله، شناخت بهتری نسبت به منابع سودآوری بانک و نتیجتاً آسیب‌پذیری درآمدهای بانک ارائه می‌نماید.

$$100 \times \frac{\text{بهره پرداختی} - \text{بهره دریافتی}}{\text{وام‌ها}} = \text{خالص مابه‌التفاوت بهره دریافتی و پرداختی سپرده‌های بهره‌دار}$$

نکته اساسی در این نسبت، میزان سودآوری بانک حاصل از مابه‌التفاوت دو نرخ است.

نسبت خالص سوددهی: این نسبت، درآمدهای اصلی بانک، یعنی درآمد حاصل از مابه‌التفاوت بهره پرداختی و دریافتی را به صورت درصدی از متوسط کل دارایی‌ها مشخص می‌نماید.

$$100 \times \frac{\text{هزینه بهره پرداختی} - \text{درآمد حاصل از بهره دریافتی}}{\text{متوسط کل دارایی‌ها}} = \text{نسبت خالص سوددهی}$$

عمده درآمدبانک، از محل دارایی‌های درآمدزا است که بهره تولید می‌کنند، ولی دارایی کل، دارایی‌های درآمدزا و فاقد درآمد را در برمی‌گیرد، لذا دارایی‌های فاقد درآمد بهره‌ای، تأثیر شدیدی بر نسبت‌های سوددهی حاصل از مابه‌التفاوت بهره دارند، زیرا اگر دارایی‌های فاقد درآمد، به خصوص اگر از محل بدهی‌هایی تأمین شوند که بابت آن بهره پرداخت می‌شود، موجب کاهش درآمد بانک می‌شوند و در مقابل، چنانچه سپرده‌هایی که به آنها بهره تعلق نمی‌گیرد، جهت تأمین مالی دارایی‌های با نرخ بهره بالا به کار روند، درآمدها را افزایش می‌دهند. در نسبت خالص سوددهی چنانچه بانکی از کل دارایی‌ها

سرمایه مناسب تشکیل شده و عملکرد خوبی دارد، چون ذخایر ناکافی برای پوشش زیان ناشی از وام سرمایه را مبالغه‌آمیز جلوه می‌دهد. چنانچه ذخایر زیان ناشی از وام‌های اعطایی را پوشش ندهد، این نسبت می‌تواند مختل گردد. از طرفی، تا زمانی که ذخایر به طور صحیح تعیین نشوند و ارزش دفتری دارایی‌های مخاطره‌آمیز بانک به درستی اصلاح نگردد، سرمایه بانک به طور دقیق گزارش نخواهد شد.

از آنجایی که سرمایه از محل وجوه متعلق به دیگران تأمین شده و سهامداران در مقابل راكد ماندن سرمایه خویش انتظار پاداش بیشتری نسبت به سپرده‌گذاران دارند، بنابراین، سرمایه منبع پرهزینه‌ای برای تأمین وجه می‌باشد. به دلیل آنکه سرمایه به عنوان پشتوانه‌ای برای تضعیف ارزش دارایی‌های مخاطره‌آمیز در نظر گرفته می‌شود، پرداخت هر گونه وامی توسط بانک، تخصیص مبلغ متناسبی از سرمایه با توجه به کفایت سرمایه را ایجاب می‌کند. بنابراین، اگر افزایش سرمایه موجب افزایش قدرت وام‌دهی بانک گردد، تأثیر آن در بازدهی سرمایه‌گذاری ناچیز خواهد بود، ولی چنانچه افزایش سرمایه بانک موجب افزایش وام‌دهی بانک نگردد، موجب کاهش نسبت بازدهی سرمایه‌گذاری خواهد شد.

نسبت بازده دارایی^(۴): این نسبت، نسبت سود عملیاتی را به کل منابعی که تحت مدیریت بانک قرار دارد، مرتبط می‌سازد. این نسبت، بهترین نسبت برای ارزیابی مدیریت است و خالص درآمدی را که از بکاربردن کل دارایی‌های بانک ایجاد می‌شود، ارزیابی می‌کند. از این رو، کمتر از نسبت بازده سرمایه در معرض انحراف است.

$$100 \times \frac{\text{سود پس از کسر مالیات}}{\text{متوسط کل دارایی‌ها}} = \text{نرخ بازده سرمایه‌گذاری}$$

اختلاف این نسبت بین بانک‌ها که بر مفاهیم محدودتر دارایی مانند دارایی‌های درآمدزا (کلیه وام‌ها، پیش پرداخت‌ها،

افزایش حجم سرمایه‌گذاری، به خودی خود باعث بهبود ثروت سهامداران نمی‌شود.



سود عملیاتی می تواند به عنوان مابه‌التفاوت بین هزینه وجوه و بهره دارایی‌های درآمدزا به اضافه کارمزد مربوطه باشد. این مابه‌التفاوت، عبارت است از هزینه‌ای که نظام بانکی بابت واسطه‌گری بین عرضه کنندگان و استفاده کنندگان وجوه دریافت می‌کند. این نسبت، منعکس کننده ظرفیت درآمدهای خاص از فعالیت عادی بانک می‌باشد.

بسیاری از نظام‌های نظارتی قانونی، بدون اینکه توجه زیادی به سودآوری و نسبت‌های سودآوری داشته باشند، بر اقلام ترازنامه و سایر نسبت‌ها، از جمله نسبت نقدینگی و کفایت سرمایه، تاکید دارند که این خود یک اشتباه است. عملکرد درآمدی ناموفق، شاخص وجود مشکلاتی است که ممکن است آن چنان اهمیت فزاینده پیدا کنند که فقط سال‌ها بعد در ترازنامه و نسبت‌های مربوطه جلوه‌گر شوند.

نسبت خالص سود عملیاتی، تناسب بین بهره دریافتی با هزینه‌های مربوط را به وام‌های بانک از طریق مابه‌التفاوت هزینه پرداختی به سپرده‌های بهره‌دار می‌سنجد. افزایش غیرطبیعی این نسبت، می‌تواند ناشی از بهبود سودآوری در بخش وام‌دهی باشد که درآمد اصلی بانک را تشکیل می‌دهد، و ممکن است ناشی از عدم توانایی بانک در تجهیز منابع از طریق جذب سپرده‌های مدت‌دار باشد. بدیهی است که این حالت، اثر خود را بر میزان وام‌دهی بانک خواهد گذاشت و کاهش قدرت وام‌دهی و در نتیجه، کاهش سودآوری بانک را در پی خواهد داشت.

نسبت خالص درآمد به ازای هر کارمند:

$$\text{نسبت خالص درآمد به ازای هر کارمند} = \frac{\text{سود پس از کسر مالیات}}{\text{تعداد کل کارکنان}}$$

نسبت دارایی‌های درآمدزا را به دارایی‌های فاقد درآمد افزایش دهد، در نسبت خالص سوددهی تأثیری نخواهد داشت، این در حالی است که درآمد بانک افزایش خواهد یافت. بنابراین، نسبت خالص سوددهی باروش بالا گمراه کننده خواهد بود. یک روش مناسب برای رفع این اشکال، آن است که دارایی‌های فاقد درآمد را از دارایی‌های درآمدزا کم کنیم، به طوری که مخرج نسبت نشان دهنده دارایی‌های سودده باشد که در آن صورت، هر گونه افزایش دارایی‌های درآمدزا به طور مستقیم موجب افزایش نسبت خالص سوددهی خواهد شد.

نسبت سایر درآمدهای عملیاتی به کل دارایی‌ها:

$$100 \times \frac{\text{سایر درآمدهای عملیاتی}}{\text{متوسط کل دارایی‌ها}} = \text{نسبت درآمدهای حاصل از کارمزد}$$

این نسبت، وابستگی بانک به سایر درآمدها را نشان می‌دهد. رشد این نسبت، می‌تواند نشانه تنوع سالم در ارایه خدمات مالی مبتنی بر کارمزد، یا دسترسی ناسالم به درآمدهای سوداگرانه برای جبران کمبود درآمد حاصل از مابه‌التفاوت بهره - درآمد اصلی بانک - باشد. کارمزدهای مربوط به وام نباید جزو این بخش از درآمد به حساب آورده شوند. عمده سایر درآمدهای عملیاتی عبارتند از:آمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها - درآمدهای حاصل از ارایه خدمات.

خالص سود عملیاتی:

$$100 \times \frac{\text{هزینه‌های مربوطه} + \text{بهره اوراقی}}{\text{وام‌ها}} = \text{نسبت خالص سود عملیاتی}$$

$$\frac{100 \times \text{هزینه بهره}}{\text{سپرده‌های بهره دار}}$$

نسبت بازده دارایی، بهترین نسبت برای ارزیابی مدیریت است.

این نسبت، بازده متوسط درآمدی را که هر کارمند ایجاد می‌کند، ارزیابی می‌نماید. نکته دارای اهمیت در این رابطه آن است که این نسبت، در یک بانک با کارکنان اندک و حقوق بالا و بانکی با شبکه وسیعی از شعب، ولی سطح دستمزد پرداختی پایین متفاوت است. استخدام و امور کارکنان نشان دهنده بزرگ‌ترین رقم هزینه در بانک سالم است.



نسبت خالص درآمد به هزینه کارکنان:

$$\text{نسبت خالص درآمد به هزینه کارکنان} = \frac{\text{سود پس از کسر مالیات}}{\text{هزینه کارکنان}} = \text{خالص درآمد به هزینه کارمند}$$

این نسبت، بازده سرمایه‌گذاری را نسبت به هزینه‌های پرسنلی ارزیابی می‌نماید. این معیار مفیدتر از نسبت خالص درآمد به ازای هر کارمند است، زیرا مقایسه بانک‌های مختلف را ممکن می‌سازد. این نسبت، به تأثیر سیاست‌ها و تصمیمات پرسنلی بدون توجه به تأکید این سیاست‌ها بر کارکنان دفتری با دستمزد و تخصص پایین و یا متخصص ماهر و با دستمزد بالا توجه دارد.

شایان ذکر است که بانک‌های موفق، معمولاً سرانه دارایی و سود خالص بالاتری دارند. یکی از سیاست‌های موفق در این رابطه، داشتن سیستم انگیزشی مناسب و کارا می‌باشد تا کارکنان با بهره‌وری بالاتر، حقوق و مزایای بیشتری را دریافت کنند. وجود سیستمی مناسب با قابلیت اندازه‌گیری متغیرهای کلیدی مؤثر در بهره‌وری، به نحوی که قادر باشد تفاوت‌های معناداری را ایجاد نماید، ابزار اصلی اجرای این خط‌مشی می‌باشد.

نسبت ذخایر زیان ناشی از وام‌ها به کل وام‌ها:

$$\text{نسبت ذخایر زیان ناشی از وام‌ها به کل وام‌ها} = \frac{\text{ذخایر زیان وام}}{\text{کل وام‌ها}}$$

این نسبت، برای طبقه‌بندی وام و کفایت ذخایر پوشش دهنده زیان ناشی از وام مفید است، ولی در برخی موارد مفید بودن خود را از دست می‌دهد. این وضع به

دلیل عدم تمایل برخی از بانک‌ها به حذف کردن وام‌های لاوصول است که این نسبت را کاهش می‌دهند. ذخایر زیان وام‌ها جزو هزینه‌های کلیدی بانک بوده و نمایانگر انتقال خودکار درآمد قبل از مالیات به حساب اندوخته زیان وام در ترازنامه است.

نسبت کفایت سرمایه: (۵)

$$\text{نسبت کفایت سرمایه} = \frac{\text{دارایی‌های مخاطره آمیز}}{\text{سرمایه تعدیل شده}} \times ۱۰۰$$

سرمایه بانک تکیه‌گاهی است که به بانک اجازه می‌دهد تا علی‌رغم مشکلات داخلی و یا معضلات اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی‌هایش را داشته باشد و به عملیات خود



ادامه دهد. اگر سطح سرمایه بانک به صورت درصدی از کل دارایی‌های یک بانک بیش از حد پایین باشد، چنانچه روند نامطلوبی پیش بیاید، بانک با خطرات ناهماهنگی مواجه خواهد شد. از طرف دیگر، سطح سرمایه پایه بسیار بالا نیز نسبت بدهی به سرمایه بانک را کاهش خواهد داد. از این رو، بانک ناچار می‌شود تا به منظور کسب سود مناسب برای سرمایه‌گذارانش، تفاوت نرخ بهره وام و سپرده و کارمزدها را افزایش دهد. شایان ذکر است بانک‌ها عموماً ترجیح می‌دهند برای به حداکثر رسانیدن بازده سرمایه، سرمایه کمتری داشته باشند، در حالی که قانونگذاران ترجیح می‌دهند که برای حفظ ثبات بازار، سرمایه بانک در سطح بالاتری باشد. به بیان دیگر، سرمایه بانک آن چیزی است که پس از کسر بدهی‌ها، از دارایی‌های بانک کنار گذاشته می‌شود. واضح است که بخش عمده تحلیل یک مؤسسه بانکی، ارزیابی کیفیت دارایی‌ها و کفایت ذخایر است، چرا که ارزش‌گذاری بیش از حد دارایی‌ها و یا ناکافی بودن ذخیره‌های پوشش دهنده زیان ناشی از وام‌های بلاوصول، سرمایه را بیش از حد نشان خواهد داد.

نرخ بازده حقوق صاحبان سهام^(۶): نرخ بازده حقوق صاحبان سهام را نرخ بازده ارزش ویژه می‌نامند. با استفاده از این نسبت، سود بانک در ازای هر یک ریال حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود، به این ترتیب که "سود پس از کسر مالیات" را بر "حقوق صاحبان سهام" تقسیم می‌کنند. مقدار این نسبت عبارتست از:

$$\text{نرخ بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{سود پس از کسر مالیات}}{\text{حقوق صاحبان سهام}}$$

سرمایه بانک آن چیزی است که پس از کسر بدهی‌ها، از دارایی‌های بانک کنار گذاشته می‌شود.

ACCOUNT CODE	ACCOUNT NAME	INITIAL BALANCE	DEBIT PERIOD	CREDIT PERIOD	FINAL BALANCE	DE LAB	ANAL
1000	Assets	231,232	30,000		201,232		
1010	Account Current	1,111,223	100,000		1,011,223		
1020	Capital Account	10,000	10,000		0		
1030	Reserve	10,000			10,000		
1040	Equity	2,000			2,000		
1050	Liabilities	2,000			2,000		
1060	Debt	2,000			2,000		
1070	Equity	2,000			2,000		
1080	Equity	2,000			2,000		
1090	Equity	2,000			2,000		
1100	Equity	2,000			2,000		
1110	Equity	2,000			2,000		
1120	Equity	2,000			2,000		
1130	Equity	2,000			2,000		
1140	Equity	2,000			2,000		
1150	Equity	2,000			2,000		
1160	Equity	2,000			2,000		
1170	Equity	2,000			2,000		
1180	Equity	2,000			2,000		
1190	Equity	2,000			2,000		
1200	Equity	2,000			2,000		
1210	Equity	2,000			2,000		
1220	Equity	2,000			2,000		
1230	Equity	2,000			2,000		
1240	Equity	2,000			2,000		
1250	Equity	2,000			2,000		
1260	Equity	2,000			2,000		
1270	Equity	2,000			2,000		
1280	Equity	2,000			2,000		
1290	Equity	2,000			2,000		
1300	Equity	2,000			2,000		
1310	Equity	2,000			2,000		
1320	Equity	2,000			2,000		
1330	Equity	2,000			2,000		
1340	Equity	2,000			2,000		
1350	Equity	2,000			2,000		
1360	Equity	2,000			2,000		
1370	Equity	2,000			2,000		
1380	Equity	2,000			2,000		
1390	Equity	2,000			2,000		
1400	Equity	2,000			2,000		
1410	Equity	2,000			2,000		
1420	Equity	2,000			2,000		
1430	Equity	2,000			2,000		
1440	Equity	2,000			2,000		
1450	Equity	2,000			2,000		
1460	Equity	2,000			2,000		
1470	Equity	2,000			2,000		
1480	Equity	2,000			2,000		
1490	Equity	2,000			2,000		
1500	Equity	2,000			2,000		
1510	Equity	2,000			2,000		
1520	Equity	2,000			2,000		
1530	Equity	2,000			2,000		
1540	Equity	2,000			2,000		
1550	Equity	2,000			2,000		
1560	Equity	2,000			2,000		
1570	Equity	2,000			2,000		
1580	Equity	2,000			2,000		
1590	Equity	2,000			2,000		
1600	Equity	2,000			2,000		
1610	Equity	2,000			2,000		
1620	Equity	2,000			2,000		
1630	Equity	2,000			2,000		
1640	Equity	2,000			2,000		
1650	Equity	2,000			2,000		
1660	Equity	2,000			2,000		
1670	Equity	2,000			2,000		
1680	Equity	2,000			2,000		
1690	Equity	2,000			2,000		
1700	Equity	2,000			2,000		
1710	Equity	2,000			2,000		
1720	Equity	2,000			2,000		
1730	Equity	2,000			2,000		
1740	Equity	2,000			2,000		
1750	Equity	2,000			2,000		
1760	Equity	2,000			2,000		
1770	Equity	2,000			2,000		
1780	Equity	2,000			2,000		
1790	Equity	2,000			2,000		
1800	Equity	2,000			2,000		
1810	Equity	2,000			2,000		
1820	Equity	2,000			2,000		
1830	Equity	2,000			2,000		
1840	Equity	2,000			2,000		
1850	Equity	2,000			2,000		
1860	Equity	2,000			2,000		
1870	Equity	2,000			2,000		
1880	Equity	2,000			2,000		
1890	Equity	2,000			2,000		
1900	Equity	2,000			2,000		
1910	Equity	2,000			2,000		
1920	Equity	2,000			2,000		
1930	Equity	2,000			2,000		
1940	Equity	2,000			2,000		
1950	Equity	2,000			2,000		
1960	Equity	2,000			2,000		
1970	Equity	2,000			2,000		
1980	Equity	2,000			2,000		
1990	Equity	2,000			2,000		
2000	Equity	2,000			2,000		

آیا اقلام ترازنامه، به تنهایی می‌توانند اطمینان بخش باشند؟



موجود یک بانک با وضعیت آن در قبل و دوره‌های پیشین بهره‌برد. روی هم رفته، بکارگیری این نسبت‌ها باعث می‌شود که بررسی‌ها از قالب ریالی خارج و به نسبت‌های قابل مقایسه تبدیل شوند. در واقع، نسبت‌های مالی زبان گویای ارقام موجود در صورت‌های مالی بانک هستند که با ایجاد ارتباط معنی‌دار بین این اطلاعات، ناگفتنی‌های بسیاری را برای تحلیلگران مالی آشکار می‌سازند.

در شرایط کنونی که بانک‌ها به سمت خصوصی‌سازی حرکت می‌کنند و رفته رفته نفوذ دولت در بازارهای مالی کمتر می‌شود، نیاز به تجزیه و تحلیل وضعیت مالی بانک‌ها هم برای سهامداران و هم برای سپرده‌گذاران مهم می‌باشد تا سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران با آگاهی لازم و اطمینان در یک مؤسسه سالم و سودآور سرمایه‌گذاری کنند و به این طریق، حرکت چرخ‌های اقتصاد جامعه را به سوی رشد و توسعه تسهیل نمایند.

- 1) Payout Ratio.
- 2) Profit Margin.
- 3) Return of Investment.
- 4) Return on Assets.
- 5) Gearing on Leverage.
- 6) Return on Equity.

منابع و مأخذ

- ۱) ریمندی، نوو/۱۳۸۵/مدیریت مالی/ترجمه و اقتباس دکتر علی جهانخانی و دکتر علی پارساییان/تهران/سمت.
- ۲) بارلتر، کریستوفر، جی و دایانا مک‌نافتن/۱۳۸۶/تفسیر گزارش‌ها و صورت‌های مالی بانک‌ها/ترجمه اداره سازمان و مطالعات بین‌المللی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران/تهران/پژوهشکده پولی و بانکی.
- ۳) جمشیدی، سعید/۱۳۸۷/حسابداری بانکی/تهران/پژوهشکده پولی و بانکی.
- ۴) ریاحی بلکویی، احمد/۱۳۸۱/تئوری حسابداری/ترجمه دکتر علی پارساییان/تهران/دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۵) تاروردی، یدالله/۱۳۸۶/حسابداری مالی/تهران/ترمه.
- ۶) آزاد، محمد/ویژگی‌های بانک موفق/سایت abacus.com.
- ۷) مقالات انجمن حسابداران و حسابرسان/رابطه همبستگی میان نسبت‌های مالی مبتنی بر ترازنامه و مبتنی بر صورت جریان وجوه نقد/سایت IIAA.COM.
- ۸) به آیین، یعقوب/۱۳۸۵/تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی/روزنامه دنیای اقتصاد/شماره ۱۱۱۲/تاریخ ۵ آذر ۱۳۸۵/صفحه ۳۲.

با استفاده از نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، رابطه بین سود و ارزش ویژه مشخص می‌شود. سپرده‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پس‌انداز زمانی موجب افزایش ثروت سهامداران می‌شوند که بازده سرمایه‌گذاری از نرخ بهره سپرده‌ها بیشتر باشد. در این صورت، مازاد نرخ بازده (نسبت به نرخ هزینه وام) به سهامداران شرکت تعلق می‌گیرد، اما اگر نرخ بازده از نرخ هزینه بهره کمتر باشد، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

نسبت‌های مالی، ابزارهای بسیار مهمی برای تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌گذاری هستند و بسیاری از سرمایه‌گذاران می‌توانند با بررسی نسبت‌های مهم مالی در سرمایه‌گذاری، سرنوشت پول خود را به رقم بزنند و براساس این معیارها، به سرمایه‌گذاری بپردازند. به علاوه، نسبت‌ها، ابزارهای مقایسه بانک‌ها هستند و با استفاده از آنها می‌توان سهام یک بانک را با سهام بانک دیگر مقایسه کرد. هم‌چنین می‌توان از آن‌ها برای مقایسه وضعیت

بسیاری از نظام‌های نظارتی قانونی، بدون اینکه توجه زیادی به سودآوری و نسبت‌های سودآوری داشته باشند، بر اقلام ترازنامه و سایر نسبت‌ها، از جمله نسبت نقدینگی و کفایت سرمایه، تأکید دارند که یک اشتباه است.